

بانکداری اسلامی

شیوه نظری

جناب آقای دکتر سیدحسین مهدوی نجم‌آبادی^۱

بسمه تعالی

مقدمه

مجموعه فعالیتها و عملیاتی که توسط بانکها صورت می‌گیرد بانکداری نامیده می‌شود. تجهیز و مصرف منابع پس‌انداز جامعه، وصول برات سفته، صدور ضمانتنامه، گشایش اعتبارات اسنادی و... از جمله عملیاتی است که بانکها انجام می‌دهند. دو عمل تجهیز منابع پس‌انداز جامعه و مصرف آن از جمله اصلی‌ترین عملیات بانکی است که بانک را به صورت یک واحد اقتصادی از واحدهای دیگر اقتصاد متمایز می‌کند. به عبارت دیگر عملیات تجهیز منابع پس‌انداز جامعه و مصرف آن هسته اصلی بانکداری را تشکیل می‌دهد. در هر سیستم اقتصادی، بانکداری روی همین هسته پایه‌گذاری شده است. بانکداری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بانک اسلامی نیز، نظیر بانکهای دیگر با استفاده از منابع پس‌انداز گروهی از افراد جامعه نیاز مالی گروه دیگر را تامین می‌کند. بدین ترتیب، از نقطه نظر اتکاء بر منابع پس‌انداز جامعه تفاوتی بین بانکداری سنتی و یا متداول در کشورهای دیگر و بانکداری اسلامی وجود ندارد. لکن، آنچه که بانکداری اسلامی را از بانکداری سنتی متمایز می‌کند شیوه رفتاری یا روش عمل در بانکداری اسلامی است که تفاوت شکلی و ماهوی با شیوه رفتاری در بانکداری سنتی دارد. اصولاً شیوه‌های رفتاری در روابط حقوقی که بین بانک و مشتری ایجاد می‌شود تجلی می‌کند.

۱- نظراتی که در این مقاله ارائه شده است، نتیجه تحقیقات و نظرات شخصی اینجانب بوده و نظرات رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا نظرات فقهی شخص خاصی را منعکس نمی‌نماید.

به عبارت دیگر، کلیه عملیات بانکی در چارچوب روابط حقوقی که بین بانک و مشتری به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد. روابط ممکن است در شکل مکتوب نظیر عمل قبول سپرده، اعطای تسهیلات اعتباری، گشایش اعتبارات اسنادی و یا غیرمکتوب نظیر عملیات حواله وجه وصول چک، وصول وجوه آب و برق و تلفن و امثال آن باشد. هر یک از این روابط اعم از مکتوب یا غیرمکتوب باید در چارچوب ضوابط و مقررات حقوقی حاکم بر کشوری که بانک در آن قرارداد برقرار شود. نظر به اینکه مقررات حاکم در یک کشور متفاوت از کشور دیگر است، لذا شیوه بانکداری در آن کشور نیز تا این حد از شیوه بانکداری در کشور دیگر متفاوت خواهد بود.

در کشورهای اسلامی، منجمله ایران، علی‌القاعده روابط حقوقی حاکم بین بانک و مشتری باید بر اساس موازین اسلامی پایه‌گذاری شود، یا لاقلاً، این روابط حقوقی باید بنحوی تنظیم و اعمال گردد تا با موازین اسلامی مغایر نباشد. در نتیجه، تا حدی که این موازین با اصول حاکم بر روابط حقوقی حاکم بر بانکداری در کشورهای دیگر متفاوت باشد، بانکداری در کشور اسلامی نیز باید با آن شیوه بانکداری متفاوت باشد. در واقع در کشورهای اسلامی اصول و تعالیم حاکم بر رفتارهای اسلامی قاعدتاً بر رفتار و عملیات بانکی نیز حاکم خواهد بود.

نتیجه منطقی ناشی از استدلال فوق، حاکی از آن است که آن دسته از عملیات بانکی که تابع اصول و ضوابط مشابهی باشند چه در محیط اسلامی و چه در غیراسلامی، نباید از یکدیگر متفاوت باشند. نتیجه دیگری که از این بحث قابل استنتاج می‌باشد این است که آن دسته از رفتارها یا روابط حقوقی بین بانک و مشتری که با موازین اسلامی معارض نباشد در محیط اسلامی پذیرفته است. بالاخره، آن دسته از رفتارهای اسلامی که معارض با اصول حاکم در محیط غیراسلامی باشد، در آن محیط پذیرفته نمی‌شود. به طور خلاصه، تفاوتها، در اصول و موازین غیرمشترک ظاهر می‌گردد. بانکداری اسلامی نیز به همین دلایل با بانکداری متداول در کشورهای دیگر متفاوت است.

بحث بیشتر در این زمینه ایجاب می‌کند که در مورد عبارت «بانکداری اسلامی» به معنی اخص کلمه تعمق بیشتری بشود. اصولاً بانکداری به معنی مترادف آن پدیده‌های نوین است که در غرب رایج شده و عمر آن از حدود چهار قرن تجاوز نمی‌کند. ضمناً به نظر نمی‌رسد در ادوار گذشته از صدر اسلام تا حدود سه دهه قبل، فعالیت منسجم به نام «بانکداری اسلامی» در محیط‌های اسلامی به وجود آمده باشد تا شیوه خاصی را برای اینگونه بانکداری تجویز کند.

البته، شیوه رفتاری مشخصی به صورت ابزار تامین مالی (FINANCING) برای تامین منابع مورد نیاز اهل حرفه و فن در چهارچوب موازین اسلامی وجود دارد که از صدر اسلام تاکنون در جامعه

اسلامی متداول بوده و به صورت پراکنده انجام می‌شده است.^۱ طبعاً این شیوه‌ها تعداد کمی از عملیات متعددی است که می‌تواند به صورت منسجم توسط بانک اسلامی انجام شود. به علاوه طی سه دهه گذشته اقدامات پراکنده‌ای توسط کشورهای مختلف اسلامی صورت گرفته تا عملیات بانکی خود را به اصطلاح «اسلامی» کنند. تنها در کشور ایران^۲ از حدود ۱۰ سال قبل بانکداری به نحوی طراحی و تدوین شده است که انجام آن با موازین شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد. از همین رو، صفت «اسلامی» که صفت مناسبی هم می‌باشد به این شیوه از بانکداری داده شده است.

در واقع هنگامی که «شیوه‌های رفتاری اسلامی»^۳ منشاء روابط حقوقی بین بانک و مشتری قرار می‌گیرد نوعی بانکداری فنی و منظم یا بانکداری خاص را ارائه می‌دهد که به آن بانکداری اسلامی گفته می‌شود. شاید اگر صفت دیگری یافت شود که هم ویژگی اسلامی و هم ویژگی فنی و منظم را به نحوی از انحاء به این نوع از بانکداری بدهد، می‌تواند نام دیگر باشد تا بیان اصطلاح «بانکداری اسلامی». به هر صورت اطلاق «بانکداری اسلامی» به این شیوه از رفتارهای بانکی نیز چندان از واقعیت بدور نیست. با ذکر این مقدمه تشریح بانکداری اسلامی بهتر امکان‌پذیر خواهد بود.

۱- این شیوه‌های تامین مالی به صورت نمونه عبارتند از: قرض الحسنه، مضاربه، اجاره، نسیه و یا فروش اقساطی.

۲- بانکداری اسلامی در ایران با تصویب قانون، از ابتدای سال ۱۳۶۳ به صورت یک مرحله‌ای و به طور کامل در کل نظام بانکی کشور به مورد اجراء گذارده شد. این امر در تاریخ بانکداری جهان بی‌سابقه است. به موجب این قانون، بانکداری اسلامی در ایران همانند بانکداری سنتی در سایر نقاط جهان بر مبنای تجهیز پس‌اندازها و اعطای تسهیلات اعتباری پایه‌گذاری شده است و امکان هرگونه سیاستگذاری پولی در آن وجود دارد. به عبارت دیگر در نظام بانکداری اسلامی مورد عمل در ایران بانکها در نهایت به عنوان واسطه بین عرضه‌کننده‌گان و متقاضیان وجوه عمل می‌نمایند و از این جهت تفاوتی با بانکداری سنتی ندارند. لکن، ویژگی اصلی این نظام این است که کلیه عملیات بانکی در آن با موازین شرع مقدس اسلام مغایرت ندارد و از همین رو شیوه عمل در این نظام به کلی متفاوت از بانکداری متداول در کشورهای دیگر است.

۳- شیوه‌های رفتاری برای بسیاری از امور در اسلام وجود دارد که آن را متمایز از شیوه‌های رفتاری در همین امور در مذاهب و جوامع دیگر می‌کند. مراسم ازدواج، شیوه روزه گرفتن، آداب وضو گرفتن، ترتیبات نماز خواندن، انجام مناسک حج، روش انجام بیع، روش انجام صلح، هبه،... و دهها مطلب دیگر از جمله رفتارهایی است که بر اساس موازین اسلامی، هر یک از این امور باید مطابق یک سلسله مراتب دقیق از کارها انجام شود. به عبارت دیگر، این امور باید با رفتاری مشخص و عموماً تحت شرایط، قصد، زمان و مکان معین و با نظم ترتیب و توالی معین صورت پذیرد. تغییر هر یک از شرایط، قصد، زمان، مکان و ترتیب و توالی رفتار امر مربوط را از مفهوم اصلی و ذات خود خارج نموده و طبعاً با موازین اسلامی مطابق نخواهد بود. بدیهی است، جامعه اسلامی به دلیل باور خود در مورد این موازین هنگام انجام امور مذکور، دقیقاً بر اساس همین موازین عمل می‌نماید.

عملیات بانکی

همانطوری که ذکر شد، به مجموعه فعالیتها و عملیاتی که توسط بانکها صورت می‌گیرد، بانکداری گفته می‌شود. اغلب این عملیات در بانکداری سنتی «ربوی» است. «ربا» از دیدگاه اسلام در حدی مذموم و ناپسند می‌باشد که در قرآن کریم اخذ آن از جمله گناهان کبیره شمرده شده است.^۱ برای ادامه بحث در این زمینه ضرورت دارد بدو رأی پولی^۲ تعریف شده و سپس به تشریح چگونگی انجام عملیات بانکی بر اساس بانکداری اسلامی مبادرت شود.

«ربا» عبارتست از:

«گرفتن مبلغ اضافه روی دین محقق مشروط بر اینکه از قبل شرط شده باشد.»

این تعریف به طور کامل و مفصل در پیوست شماره (۱) تشریح شده است. از اینرو به منظور جلوگیری از اطاله کلام تحلیلی از این بابت در این قسمت صورت نمی‌گیرد.

به طوری که ملاحظه می‌شود، تحقق ربا وقتی متصور است که منحصراً روش تجهیز منابع و روش مصرف منابع توسط بانک بر مبنای رابطه حقوقی قرض پایه گذاری شده باشد. در نتیجه، اولاً چنانچه این روشها به نحوی طراحی و تدوین و بالاخره اعمال شود که عملیات تجهیز یا مصرف منابع ناشی از قرض نباشد، طبعاً این عملیات ربوی نبوده و بالمآل با موازین اسلامی تعارض نخواهد داشت. ثانیاً چنانچه روش مربوط به تجهیز یا مصرف منابع در چارچوب عقد قرض انجام شود، باید منحصراً به صورت «حسنه»^۳ باشد. بانکداری اسلامی عمدتاً از جمعیت همین ویژگیها به وجود می‌آید.

چنانچه عملیات بانکی به دو دسته «عملیات اصلی» و «سایر عملیات» تقسیم‌بندی شود، تشریح بانکداری اسلامی با سهولت بیشتری امکان پذیر خواهد بود. همانطوری که قبلاً نیز توضیح داده شد،

۱- دلیل اصلی پایه‌گذاری بانکداری اسلامی در ایران که یکی از دست‌آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی می‌باشد، حذف این عمل مذموم از فعالیت‌های بانکی است. از همین رو عملیات بانکی در ایران بر پایه موازین اسلامی به نحوی طراحی و تدوین شده است که این عملیات نه تنها از لحاظ شکلی بلکه از لحاظ ماهوی نیز «ربوی» نباشد.

۲- در شرع مقدس اسلام ربای ناشی از معاملات نیز به همان اندازه ربای پولی مذموم و مردود است. بحث در مورد ربای معاملاتی خارج از محدوده این مقاله می‌باشد.

۳- کلمه «حسنه» به مفهوم مقبول و پسندیده است که در این مقاله به مفهوم قرض پسندیده در اسلام به کار رفته است. قرض هنگامی پسندیده است که بدون قید و شرط بوده و هنگام وصول هیچ مبلغ یا چیزی زیاده بر اصل قرض که مبتنی بر شرط باشد دریافت نشود. البته قرض گیرنده می‌تواند، بدون قید و شرط قبلی، چیزی از اموال شخصی خود علاوه بر اصل قرض به قرض دهنده پرداخت نماید. این اقدام از دیدگاه اسلام بسیار پسندیده بوده و مورد تشویق قرار گرفته است.

«عملیات اصلی» به طور مستقیم یا غیرمستقیم به جریان منابع مالی بین بانک و مشتری منجر شده و این منابع برای مدتی توسط بانک یا مشتری مورد استفاده قرار می‌گیرد. عملیات دیگری که به جریان منابع مالی از بانک به مشتری یا برعکس منجر نشود و یا اگر به جریان منابع مالی منجر می‌شود صرفاً به صورت نقل و انتقال بوده و توسط بانک یا مشتری مورد استفاده قرار نگیرد، «سایر عملیات» بانکی را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، مهمترین ویژگی بارز و برجسته بانکداری اسلامی در این است که «عملیات اصلی» بانکی به نحوی تدوین و پایه گذاری شود که «ربوی» نباشد. بدیهی است، «سایر عملیات» نیز ذاتاً نمی‌تواند ربوی باشد. با این توصیف، اولین تعریف بانکداری اسلامی از این شیوه رفتاری به شرح زیر قابل استنتاج است:

«بانکداری اسلامی به آن شیوه از بانکداری اطلاق می‌شود که به وسیله آن جریان منابع پولی یا مالی بین پس اندازکننده، بانک و سرمایه گذار، در چارچوب موازین اسلامی، به نحوی برقرار گردد که بین آنها رابطه حقوقی استقراض ایجاد نشود، مگر در شکل «حسنه».

جریان منابع پولی و مالی بین بانک و مشتری می‌تواند به طرق مختلف برقرار شود. در هر صورت منابع پس انداز جامعه باید به نحو مناسب و مطلوب توسط بانکها تجهیز و در فعالیتهای مختلف اقتصادی مصرف گردد. از اینرو، چنانچه تصور شود که تمامی این منابع پس انداز به صورت «حسنه» جذب و به کار گرفته شود منطقی نخواهد بود. زیرا، با این شیوه رفتاری قرض دهنده یا پس اندازکننده ناچار است از منافع حاصل از فعالیت‌های اقتصادی که در اثر منابع پس انداز وی حاصل می‌شود صرف نظر کرده و تمام منافع عاید قرض گیرنده شود. طبعاً چنین شیوه بانکداری نمی‌تواند به صورت جامع و فراگیر در تمام شئون اقتصادی جامعه اسلامی موفق باشد.

پس تعریف فوق^۱ جامع نبوده و نمی‌تواند جامعیت داشته باشد. برای دستیابی به تعریف جامع از بانکداری اسلامی، شیوه‌های رفتاری بانک اسلامی در زمینه استقراض، معاملات و همچنین تجهیز و مصرف منابع ذیلاً، تشریح می‌گردد:

شیوه رفتاری در استقراض

از صدر اسلام تاکنون قرض همواره یکی از ابزارهای تامین مالی جهت تامین منابع مورد نیاز قرض گیرنده مورد استفاده بوده و در عین حال پرداخت قرض به صورت «حسنه» عمیقاً مورد تشویق قرار گرفته و «ربا» مذمت شده است. بر اساس موازین اسلامی، منابع استقراضی، ملک قرض گیرنده می‌شود. در واقع انتقال مالکیت در قرض می‌تواند یکی از ریشه‌های اصلی و شاید تنها منشاء «تحریم»

۱- این تعریف در مورد برخی از مؤسسات اعتباری غیربانکی اسلامی مصداق دارد.

ربا باشد. زیرا بر اساس موازین اسلامی:

«قرض عقدیست که به موجب آن یکی از طرفین عقد (قرض‌دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر عقد (قرض‌گیرنده) تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده، در انقضاء مدت قرض، مثل و یا در صورت عدم امکان قیمت آن را به قرض‌دهنده رد نماید.»

مجموعه اتفاقات مذکور در تعریف، پس از انعقاد عقد قرض، به ترتیب معین شده در تعریف رخ می‌دهد. منجمله با انجام عقد قرض، مالکیت مال از ید قرض‌دهنده خارج و به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود. به تبع این انتقال، مالکیت منافع مال نیز به مالک جدید منتقل می‌گردد. در نتیجه، منطق اصلی حرمت «ربا» ممکن است از همین مطلب نیز ناشی شود. تشریح موضوع از این دیدگاه که در نوشته‌های مختلف کمتر به آن توجه شده است، به درک بیشتر آن کمک می‌کند.

برای روشن‌تر شدن موضوع این سؤال مطرح می‌شود که آیا شخص حق دارد از سرمایه یا منابع مالی یا به طور کلی اموال شخص دیگری که از لحاظ مالکیت هیچ ارتباطی با او ندارد، چیزی تحت عنوان سود، بهره، کارمزد «ربا» یا تحت هر عنوان دیگری مطالبه و دریافت کند؟ طبعاً هم سؤال تعجب‌آور و هم پاسخ منفی است. زیرا، این عمل به منزله اخذ من غیرحق بخشی از اموال یا سرمایه یا منابع مالی دیگری است که نه تنها منطق ندارد بلکه معنی هم نمی‌دهد. به عبارت دیگر، اگر شخص قرض‌دهنده مجاز باشد از سرمایه یا دارائی یا منابع اشخاص بیگانه‌ای که هیچ ارتباط حقوقی با آنها ندارد مبلغی مطالبه کند، مجاز خواهد بود روی سرمایه یا دارائی شخص قرض‌گیرنده که در اثر عمل استقراض بین او و شخص قرض‌گیرنده رابطه دائن و مدیون به وجود آمده مبلغی اضافه بر منابع استقراضی خود که پس از قرض مالکیت آن به قرض‌گیرنده منتقل شده مطالبه نماید.

این مطلب به دلیل دیگر نیز قابل اثبات است. نظر به این که در استقراض عملاً مالکیت منابع مالی استقراضی و بالتبع ریسک منابع مزبور و مآلاً ریسک عملیاتی که با آن منابع صورت می‌گیرد از قرض‌دهنده منتزع و به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود. لذا، چنانچه در اثر بکارگیری منابع استقراضی سودی، حاصل شود، طبعاً متعلق به قرض‌گیرنده است که در واقع هم ریسک عملیات را متحمل می‌شود و هم ضامن استرداد اصل مبلغ استقراض است. به همین جهت، بر اساس موازین شرع مقدس اسلام قرض‌گیرنده هم صاحب سود و زیان ناشی از منابع استقراضی و هم ضامن رد دین است. در عین حال، این دین با گذشت زمان نیز مگر در موارد بسیار استثنائی، ساقط نمی‌شود. در نتیجه، هر اتفاقی برای منابع استقراضی پیش آید مبلغ قرض الزاماً باید در انقضاء مدت به قرض‌دهنده مسترد گردد. به دلیل مشابه، در امور تجارت یا تولید ریسک عملیات تجاری و یا تولیدی برعهده صاحب سرمایه است اعم از این که منشأ سرمایه به کار رفته در این امور، استقراضی یا شخصی باشد. طبعاً و برعکس در این موارد نیز چون قرض‌دهنده در مدت قرض مالک سرمایه یا منابع نیست دلیلی هم

برای پذیرفتن ریسک و بالتبع برای دریافت رقمی روی منابعی که در این مدت متعلق به او نیست، ندارد.

به طور خلاصه چون درد جامعه اسلامی قرض منشاء انتقال مالکیت است لذا قرض دهنده در مدت استقراض نه مالک سرمایه است و نه ریسکی متحمل می‌شود و در نتیجه حقی به دریافت چیزی اضافه‌تر از مبلغ اصل قرض ندارد. در حالی که در جامعه غیراسلامی ممکن است مالکیت منابع استقراضی با عمل قرض منتقل نشود و در نتیجه در مورد سود یا ریسک در قرض رفتاری متفاوت وجود داشته باشد.

شیوه رفتاری در معاملات

بر اساس آیه شریفه: «احل... بیع و حرم الربوا» در قرآن کریم برخلاف «ربا» که عملی مذموم می‌باشد، تجارت یعنی به طور کلی خرید، تولید و فروش کالا و خدمات که از مصادیق معاملات می‌باشد، امری حلال، صحیح، مطلوب و موجه دانسته شده است. به همین جهت منطبق حکم می‌کند که پس‌اندازهای جامعه با این شیوه‌های رفتاری صحیح و مطلوب در فعالیتهای اقتصادی به کار گرفته شده و منافع آن عاید مالک پس‌انداز گردد. در نتیجه، جریان منابع مالی از بانک به مشتری و برعکس می‌تواند، به جای این که در شکل قرض صورت گیرد، در شکل سرمایه^۱ برای مباشرت در امر تجارت و تولید برقرار گردد. این مباشرت به نوبه خود می‌تواند مستقیماً توسط مالک سرمایه در شکل اصالت یا توسط نماینده وی در شکل وکالت، نمایندگی یا عاملیت باشد. در واقع اشکال اخیر می‌تواند نقش اصلی و کلیدی را در ساختار بانکداری اسلامی ایفا نماید.

شیوه رفتاری در تجهیز منابع

همانطوری که قبلاً ذکر شد، بانک برحسب تعریف با استفاده از منابع پس‌انداز موجود در جامعه فعالیت می‌کند. به منظور ادامه هبحث در مورد موضوع، ضرورت دارد که بدو مالکیت مجموع منابعی که می‌تواند توسط بانکها جذب شود، تعیین و سپس نحوه مصرف همین منابع از لحاظ مالکیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بدیهی است اصولاً مالکیت تأثیری در اصل و ماهیت انواع منابع تجهیز شده ندارد. لکن، مالکیت از دیدگاه حقوقی بر شکل منابع تجهیز شده تأثیر داشته و آن را به دو دسته متمایز تقسیم می‌کند. دسته اول مجموع منابع تجهیز شده در اشکال استقراض و یا سرمایه سهام

۱- در این مقاله به منابع مالی ملکی شخص سرمایه‌گذار که این منابع توسط خود شخص یا نماینده وی در امور مختلف به کار گرفته شده باشد، «سرمایه» اطلاق می‌شود.

بانک را تشکیل می‌دهد. در حالی که دسته دوم مجموع سایر منابع یا سپرده‌هایی را که در اشکال مذکور نباشد شامل می‌شود. در دسته اول بانک یا صاحبان آن، هم مالک منابع سرمایه خود و هم مالکیت منابع استقراضی می‌باشند. و در عین حال نیز تفاوتی بین مالکیت دو منبع نیست.

بدین ترتیب و با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که در بانکداری اسلامی تودیع‌کننده سپرده قرض‌الحسنه در واقع طلبکار بانک بوده و از دیدگاه حقوقی مالک طلب خود از بانک می‌باشد و مالک سپرده قرض‌الحسنه یا منابع تلقی نمی‌گردد. در حالیکه در دسته دوم، تودیع‌کننده منابع مالک این قبیل منابع باقی می‌ماند و سپرده وی به منزله سرمایه در کل سرمایه^۱ (به مفهوم وسیع کلمه) بانک اسلامی تلقی می‌شود.

بانک اسلامی، هنگامی در تجهیز منابع پس‌انداز از جامعه موفق خواهد بود که هم همواره از نقدینگی کافی برای استرداد به موقع منابع برخوردار بوده و هم ریسک عدم استرداد منابع را به حداقل ممکن تقلیل دهد. کفایت نقدینگی از دو جهت حائز اهمیت است.

از یک طرف، هنگام مراجعه سرمایه‌گذار برای استرداد سرمایه (منابع) خود بانک اسلامی این منابع را مسترد یا فی‌الواقع سپرده وی را باز خرید می‌کند. اقدامات بانک در این مورد بنحوی صورت می‌گیرد که استرداد منابع سپرده‌گذار خللی در استمرار عملیات بانکی به وجود نمی‌آورد. بدین ترتیب، با خروج یک سرمایه‌گذار موقت از عملیات بانکی یا در حقیقت عملیات تجاری یا تولیدی، سرمایه‌گذار موقت دیگری جایگزین وی می‌گردد. این اقدامات عیناً به منزله فروش تعدادی از سهام بانک توسط یکی از شرکاء موقت قبلی بانک و خرید آن توسط شریک موقت جدید دیگری می‌باشد. تفاوت این شیوه خرید و فروش در مقایسه با خرید و فروش سهام با شیوه متداول که در صورت وجود خریدار و فروشنده و توافق آنها معامله صورت می‌گیرد، در این است که بانک برای استرداد یا بازخرید منابع سپرده‌گذار از نقدینگی^۲ کافی برخوردار بوده و در صورت فقد شریک موقت یعنی سپرده‌گذار جدید، بانک اسلامی بلافاصله بصورت خریدار جایگزین فروشنده شده و منابع وی را بازخرید می‌کند. مطلب اخیر نیز یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که بانکداری اسلامی را از بانکداری متداول در کشورهای دیگر متمایز می‌کند.

از طرف دیگر، استرداد سپرده‌های قرض‌الحسنه یا اصولاً پرداخت طلب اشخاصی که این قبیل

۱- رجوع شود به زیرنویس ۱ صفحه قبل

۲- البته موضوع کفایت نقدینگی، در بانکداری اسلامی در ایران، به دلیل شکل قانونی موجود جهت تضمین و تعهد برای استرداد سپرده‌ها، ذاتاً وجود دارد. اگر این شکل قانونی هم وجود نداشته باشد، موفقیت بانک اسلامی اقتضا می‌کند که نقدینگی لازم توسط بانک اسلامی به میزان مطلوب و رضایت‌بخش برای مجموعه عملیات بانک فراهم گردد.

سپرده‌ها را به بانک اسلامی قرض داده‌اند، نیز با توجه به موازین اسلامی، به دلیل ماهیت عقد قرض توسط بانک تضمین بوده و هنگام مطالبه طلبکار، با توجه به وجود کفایت نقدینگی، بلافاصله مسترد می‌شود. بطور خلاصه، بخشی از مجموعه منابع جذب شده در بانک اسلامی بصورت قرض است که بر اساس رفتار اسلامی هم به صورت «حسنه» بوده و هم جزء منابع متعلق به بانک درمی‌آید و بانک اسلامی در این منابع مالکانه دخل و تصرف می‌کند. بخش دیگر منابع به صورت سپرده اصطلاحاً «سرمایه‌گذاری» یا هر نام دیگری جذب می‌شود که ماهیت سرمایه را دارد و بانک اسلامی، در این منابع نیز، به عاملیت سپرده‌گذار، در شکل سرمایه، مالکانه دخل و تصرف می‌نماید. شیوه جذب منابع بصورت سرمایه که شیوه‌ای کاملاً نوین است، می‌تواند برای جمع‌آوری بخش اعظم از منابع پس‌انداز جامعه بکار گرفته شود.

شیوه رفتاری در مصرف منابع

منظور از مصرف منابع، بکارگیری آنها در فعالیت‌های مختلف اقتصادی جامعه اعم از تجاری و تولیدی است. بدیهی است، هر امر تجاری و یا تولیدی از تلفیق عوامل کار، منابع مالی و مدیریت بوجود می‌آید. تامین منابع مالی برای انجام این امور می‌تواند در شکل استقراض یا در شکل سرمایه شخصی باشد. بانک اسلامی، برحسب تعریف تمام یا قسمتی از منابع مالی مورد نیاز این فعالیتها را تامین می‌نماید. طبعاً چنانچه منابع مذکور به صورت استقراض در اختیار صاحب فعالیت قرار گیرد، قرض‌دهنده که به دلیل قرض مالک منابع نیست باید از منافع حاصل از فعالیت چشم‌پوشی کند. در حالیکه، اگر منابع به صورت سرمایه تامین شود، منابع حاصله به صاحب سرمایه تعلق می‌گیرد. در عین حال، رفتار منطقی و مطلوب و همچنین عدالت و انصاف ایجاب می‌کند که منابع پس‌انداز جامعه در امور اقتصادی به نحوی مصرف گردد تا منافع ناشی از فعالیتهاى مذکور به جای این که عاید افراد یا گروهی خاص بشود، عاید دارندگان منابع گردد. در غیر این صورت همان طوریکه در بخش تجهیز منابع ذکر شد، مصرف کل منابع پس‌انداز جامعه اولاً به صورت قرض توسط بانک اسلامی امکان‌پذیر نبوده و ثانیاً اقدام به این عمل نیز منطقی و موجه نیست.

نتیجه حاصل از تمام تحلیل‌های فوق اینست که بانک اسلامی عمده منابع خود را، تحت هر عنوانی که جذب شده باشد، بصورت «سرمایه» بکار می‌گیرد. طبعاً این امر نیز به نوبه خود ایجاب می‌کند که بانک اسلامی به صورت مالک سرمایه، اعم از اینکه سرمایه ملکی صاحبان سپرده باشد، در فعالیتهای اقتصادی، مباشرت یا مشارکت نماید. تنها، با این شیوه رفتاری صحیح بانک می‌تواند با تحمل ریسک فعالیتها، مالک سود یا زیان آنها گردد که طبعاً این شیوه رفتاری دقیقاً با شیوه رفتاری اسلامی در اینخصوص مطابقت دارد.

جهت‌گیری در انجام عملیات بانکی

نگاهی عمیق‌تر به موضوع ثابت می‌کند که در بانکداری اسلامی هم صاحب سپرده و هم‌گیرنده تسهیلات اعتباری نقش مباشر را در فعالیتهای اقتصادی دارند. این مطلب کاملاً صحیح است، زیرا، همانطوری که ذکر شد، بانک اسلامی در مورد مصرف منابع رفتاری عیناً مشابه رفتار بازرگان با تولیدکننده در عملیات تجاری و تولیدی بقصد انتفاع دارد. تفاوت بین عمل بانک و عمل بازرگان یا تولیدکننده در این است که با اتخاذ تمهیداتی بانک اسلامی به نحوی که متعاقباً تشریح خواهد شد، از دخالت در بسیاری از زمینه‌ها، به صورت ارادی، ممنوع می‌شود تا نه تنها موجب اخلال در نظام تجارت و تولید نشده، بلکه منحصرأ به صورت تامین‌کننده منابع، موجد تسهیلات لازم برای واحدهای اقتصادی و اجتماعی گردد.

با توجه به مراتب فوق، هم صاحبان منابع تجهیز شده یا به اصطلاح «سپرده‌گذاران» و هم استفاده‌کنندگان از منابع مذکور یا به اصطلاح «گیرندگان تسهیلات اعتباری «داتا» شرکاء یا مباشرین فعالیتهای تجاری یا تولیدی می‌باشند که در ظاهر بانک اسلامی (از دیدگاه وسیع‌تر، صاحبان بانک) یا‌گیرنده تسهیلات انجام می‌دهد. در بانک اسلامی این شیوه رفتاری یا به طور کلی عملیات بانکی تحت شرایط، قصد، زمان، مکان و با نظم و ترتیب و توالی معینی که با موازین اسلامی مطابقت دارد انجام می‌شود.

در واقع، در بانک اسلامی، صاحبان منابع «یا سپرده‌گذاران» برای مدتی که منابع آنها نزد بانک است، به صورت شریک موقت در سرمایه (منابع) بانک درمی‌آیند. همانطوری که ذکر شد، بانک اسلامی در نقش نماینده منابع آنها را به نمایندگی از طرف آنها در فعالیتهای تجاری و تولیدی به کار می‌گیرد و سود یا زیان حاصل را پس از کسر حق نمایندگی خود در اختیار آنان قرار می‌دهد. برای این منظور، بانک منابع تجهیز شده متعلق به صاحب سپرده را همراه با منابع خود به اصطلاح به صورت «تسهیلات اعتباری» در اختیار‌گیرنده تسهیلات قرار می‌دهد یا در حقیقت با ایجاد تسهیلات اعتباری در عملیات تولیدی و تجاری‌گیرنده تسهیلات با او مشارکت نموده و یا عملیات مزبور را تسهیل می‌کند.

بر پایه آنچه ذکر شد به طور خلاصه، بانک اسلامی با بکارگیری منابع تجهیز شده، تسهیلات لازم را برای ایجاد، توسعه، تکمیل، راه‌اندازی و ادامه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌آورد. با توجه به مجموعه مراتب فوق، بانکداری اسلامی را می‌توان به شرح ذیل توصیف نمود:

«بانکداری اسلامی عبارتست از:

محیط تجمیع منابع پس‌اندازکننده، سرمایه‌گذار و بانک، به صورت سرمایه، برای سرمایه‌گذاری در امور مختلف به قصد انتفاع، در چارچوب موازین اسلامی، بنحوی که نتیجه حاصل از این

سرمایه‌گذارها بر اساس تفاهم قبلی بین آنها تسهیم گردد.

این تعریف، کاملتر از تعریف قبلی است لکن، بدلائل زیر هنوز جامع بنظر نمی‌رسد.^۱

ضرورت انجام عملیات در محدوده نظامات پولی و اعتباری

در قسمت‌های قبل، درباره تجهیز منابع مالی و مصرف آن مشروحاً بحث شد. لکن، در مورد «نحوه یا چگونگی» تجهیز و مصرف منابع تحلیلی صورت نگرفت. طبیعت و ذات عملیات بانکداری اسلامی ایجاب می‌کند که این عملیات تحت نظم و قاعده معین انجام شود. زیرا، با توجه به آنچه که تشریح شد، بانک اسلامی محیط عملیات تجاری و تولیدی به مفهوم وسیع کلمه است. از اینرو، منافع گروه‌های ذینفع و درگیر در عملیات بانکی اقتضا می‌کند که رفتار بانک اسلامی رفتاری تجاری باشد. بدیهی است، چنین بانکی، با برخورداری از امکانات مالی فراوان می‌تواند در همه زمینه‌های تولیدی اعم از فیزیکی و خدماتی، و تجاری محیطی انحصاری به وجود آورد. طبعاً این اقدام، منافع مصرف‌کننده یا جامعه را با خطر مواجه خواهد ساخت. به منظور ممانعت از بروز چنین خطری شرایطی ایجاد می‌شود تا محیط بانک اسلامی ضمن اینکه ذاتاً به صورت تجاری و تولیدی عمل می‌کند، بر اساس ضوابط معین نقش تجاری و تولیدی را از خود سلب نماید.^۲

هم منافع صاحبان منابع و هم منافع جامعه ایجاب می‌کند که بانکداری اسلامی از تجمیع این دو ویژگی به وجود آید. زیرا، از یک طرف بانک اسلامی محیطی تجاری و تولیدی به قصد انتفاع است و از طرف دیگر به دلایلی که متعاقباً توضیح داده خواهد شد، نظیر بانک سنتی محیطی بانکی است که به صورت واسطه وجوه به خلق پول، به مفهوم وسیع آن، مبادرت می‌کند. در نتیجه محیط بانک اسلامی از برآیند این دو شیوه رفتاری به وجود می‌آید.^۳

تحلیل بیشتر درباره موضوع نشان می‌دهد که بانک اسلامی نیز، نظیر بانک سنتی هم در میزان حجم پول و اعتبار که مآلاً منافع جامعه به آن مربوط است، مؤثر واقع می‌شود و هم منافع کلیه طرفهای تامین‌کننده منابع بستگی به نحوه عمل آن دارد. تاثیر عملیات بانک بر حجم پول و اعتبار به دلیل دسترسی به حجم منابع وافر پس‌انداز جامعه از یک طرف و قدرت پول آفرینی بانک اسلامی از

۱- برخی دیگر مؤسسات اعتباری غیربانکی اسلامی در محدوده این تعریف قرار می‌گیرند.

۲- این ویژگی بانک اسلامی را ناگزیر می‌سازد تا ضمن حفظ هدف تجاری و تولیدی بودن خود به صورت واسطه وجوه درآید.

۳- بعلاوه، با ایجاد تمهیدات دیگر می‌توان امتیازات مالیاتی را که گیرنده تسهیلات از طریق اخذ وام به شیوه بانکداری سنتی تحصیل می‌نماید با اخذ تسهیلات به شیوه بانکداری اسلامی به دست آورد. بحث و تحلیل این مطلب خارج از موضوع این مقاله است.

طرف دیگر دارد. زیرا، انجام عملیات بانکی به طور کلی و به ویژه استرداد فوری و عندالمطالبه منابع جمع‌آوری شده توسط بانک اسلامی توأم با قدرت اعتباردهی آن به نحوی است که ذاتاً به خلق پول منجر می‌شود. به عبارت دیگر، در عین حالی که بانک اسلامی به دلایل قانونی و شرعی همواره و در هر لحظه ملزم به استرداد منابع اولیه تجهیز شده می‌شود، با استفاده از همین منابع به اعطای تسهیلات اعتباری و خلق منابع ثانویه مبادرت می‌نماید^۱. در واقع با این عملیات، بانک اسلامی همزمان با وجود ادعای بالقوه روی منابع اولیه تجهیز شده، ادعای بالقوه دیگری روی منابع ایجاد شده جدید بوجود می‌آورد که عملاً میزان نقدینگی را افزایش می‌دهد. طبیعی است چنانچه این امر با نظم و قاعده و جهت‌گیری و داشتن هدف معین صورت نپذیرد. می‌تواند حصول به اهداف و تعادل‌های اساسی اقتصادی را مختل کند. علاوه بر مراتب مذکور، منافع متفاوت و مشترک گروه‌های درگیر در عملیات بانکی اعم از سپرده‌گذار، گیرنده تسهیلات تجاری و مالکین بانک مستلزم نظم و ضابطه دادن به این عملیات است.

بطور خلاصه، مجموعه عوامل فوق و عوامل محیطی متعدد دیگر که در بانک اسلامی وجود دارد ایجاب می‌کند که عملیات بانک مزبور بر مبنای اصول معینی پایه‌گذاری شده و تحت ضوابط مشخصی انجام شود. کلیه تمهیداتی که بکار می‌رود تا رفتار بانک اسلامی تحت نظم و شیوه معینی صورت گرفته و از آن طریق حجم نقدینگی جامعه تحت کنترل درآید، سیاست پولی نامیده می‌شود. این تمهیدات عموماً در خارج از محیط بانک اسلامی و در محیطی دیگر با نام دستگاه سیاستگذار پولی با بانک مرکزی طراحی و تدوین شده و در محیط بانک اسلامی اجرا می‌گردد.

سیاستگذاری پولی، از دیدگاه کلان، در نظام بانکداری اسلامی رفتار و اهدافی مشابه رفتار و اهداف سیاستگذار پولی در نظام بانکداری سنتی دارد. لیکن، تعدادی از ابزار و وسایل آن بدلیل تطبیق با موازین اسلامی، متفاوت از ابزار و وسایل متداول در بانکداری سنتی می‌باشد. بحث در زمینه بانکداری مرکزی، در نظام بانکداری اسلامی خارج از محدوده این مقاله است.

تعریف بانکداری اسلامی

با پایان گرفتن بحث در زمینه عملیات بانک اسلامی و اثبات ضرورت ایجاد نظامات پولی و اعتباری، می‌توان تعریف تکامل یافته بانکداری اسلامی را در عبارت ذیل خلاصه نمود:

«بانکداری اسلامی عبارتست از:

محیط تجميع منابع پس‌اندازکننده، سرمایه‌گذار و بانک، به صورت سرمایه برای سرمایه‌گذاری در

۱- در این استدلال فرض بر این است که بانک اسلامی کمتر از صد درصد سپرده قانونی می‌پردازد.

امور مختلف به قصد انتفاع، در چارچوب موازین اسلامی و نظامات پولی و اعتباری بنحوی که نتیجه حاصل از این سرمایه‌گذارها، بر اساس تفاهم قبلی، بین اشخاص مذکور تسهیم گردد. تمام مطالبی که قبلاً در مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت در تعریف فوق مستتر است.

نتیجه‌گیری و ویژگی‌های برجسته بانکداری اسلامی

نگاهی گذرا به نحوه تامین منابع مالی فعالیتهای اقتصادی که بانک اسلامی در آن سرمایه‌گذاری می‌کند، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذار، بانک و سپرده‌گذار هر یک در حد منابعی که در این سرمایه‌گذارها بکار گرفته‌اند نیاز مالی فعالیتهای مزبور را تامین می‌کنند.

در نتیجه، بر اساس این شیوه رفتاری ثمره حاصل از بخش اعظم فعالیتهای اقتصادی موجود در جامعه اعم از سود یا زیان بین سه شخصیت موضوع تعریف و به تناسب سرمایه آنها و یا هر مبنای دیگر که منطقاً توسط آنها پذیرفته شود، تسهیم می‌گردد. در مجموع، این سه دسته که پس‌اندازکننده و توزیع‌کننده و صاحب سرمایه^۱ بانک را تشکیل می‌دهند، تعداد زیاد و قابل ملاحظه‌ای از افراد جامعه را شامل می‌شود. در تحلیل نهائی، این نتیجه به دست می‌آید که بانکداری اسلامی وسیله‌ای مطلوب جهت تعدیل و توزیع مناسب بخش اعظم درآمد ناشی از فعالیتهای اقتصادی بین افراد جامعه می‌باشد. این ویژگی از عمده‌ترین خصوصیات بارز بانکداری اسلامی است که آن را از بانکداری سنتی متمایز می‌کند.

با تعمق بیشتر در مورد موضوع، می‌توان با بیانی دیگر اظهار داشت که در بانکداری اسلامی برعکس بانکداری سنتی به دلیل ارتباط منطقی که بین سه گروه سپرده‌گذار، بانک و سرمایه‌گذار وجود دارد، این سه گروه در عمده فعالیتهای اقتصادی جامعه به نحو کاملاً وابسته شریک و سهیم می‌باشند. همانطوری که ذکر شد، در واقع فعالیت مشترک مجموعه این سه گروه در فعالیتهای اقتصادی، رفتاری مشترک، وابسته و مالکانه است، لذا ماحصل فعالیت آنها، پس از تحقق به هر میزان که باشد، بین آنها تسهیم می‌گردد. طبعاً این نحوه عمل نمی‌تواند با موازین اسلامی تعارض داشته باشد. بدین ترتیب سپرده‌گذار مانند مالک بانک از یک طرف و سرمایه‌گذار مانند مالک بانک از طرف دیگر در ماحصل فعالیتهای بانک به مفهوم کاملاً واقعی و منطقی و بنحو وابسته و غیرقابل تفکیک از یکدیگر شریک و سهیم می‌گردند. چنین وابستگی در فعالیتهای، چنان اتحاد، پیوستگی و همبستگی

۱- در صورت خصوصی بودن بانک، قاعداً تعداد سهامداران زیادی می‌توانند مالک سرمایه بانک شده و از نتیجه عملیات بانک منتفع گردند. در شکل فعلی بانکداری اسلامی در ایران که دولت مالک سرمایه است، نتیجه فعالیت بانک چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم عاید کل جامعه که دولت نماینده آن است، می‌شود.

شکست‌ناپذیری را به وجود می‌آورد که در تاریخ بانکداری در جهان بی‌سابقه و بی‌نظیر است. آنچه از این نتیجه‌گیری قابل ذکر می‌باشد، این است که صاحبان چنین بانکی تحت هیچ شرایطی ریسک فعالیت‌های خود را به تنهایی تحمل نمی‌کنند. بلکه ریسک عمده فعالیت‌های اقتصادی کل جامعه بین مجموعه سه گروه تقسیم می‌گردد. طبعاً سهم افراد مجموعه مذکور از کل ریسک مزبور بسیار ناچیز و نزدیک به صفر خواهد بود. تحت شرایط چنین محیطی، مطلوب‌ترین نوع بانکداری قابل تحقق است. مضافاً در چنین شرایطی بانک اسلامی هیچ‌گاه با ریسک توقف و یا ورشکستگی به مفهوم آنچه در بانکداری سنتی متداول است روبرو نخواهد شد. زیرا، بخش اعظم منابع مالی تجهیز شده در بانک، در شکل سرمایه ریسک عملیات را متحمل خواهد شد و چنانچه خطری حادث شود مجموعه منابعی که به صورت سرمایه است کاهش می‌یابد و خللی در تداوم فعالیت بانک بوجود نمی‌آورد.

برعکس در بانکداری سنتی که اساس عملیات آن روی قرض پایه‌گذاری شده است، ریسک عملیات بنحو مطلوب توزیع نمی‌شود. در واقع هم صاحبان منابع تجهیز شده و هم مصرف‌کنندگان این منابع بر مبنای روابط حقوقی ایجاد شده بین بانک و مشتری دائن و مدیون بانک می‌باشند. بر این مبنا سپرده‌گذار به صورت جداگانه و مستقل و فارغ از هر نوع اتفاق مطلوب یا نامطلوب اقتصادی، بانک را مدیون خود تلقی نموده و تحت هر شرایطی بانک را ملزم به تادیه طلب خود می‌داند. در عین حال، بانک به صورت جداگانه و مستقل و فارغ از هر اتفاق مطلوب یا نامطلوب اقتصادی گیرنده تسهیلات اعتباری را مدیون خود تصور کرده و تحت هر شرایطی وی را موظف به تادیه طلب خود می‌داند. بدین ترتیب، در این سیستم بانکداری دو ارتباط حقوقی کاملاً ناپیوسته و مستقل بین بانک و سپرده‌گذار از یک طرف و بین بانک و گیرنده تسهیلات اعتباری از طرف دیگر ایجاد می‌شود که اولاً غیرمنطقی و نامشروع بوده و ثانیاً به دلیل ناپیوسته بودن روابط حقوقی مذکور، هرگونه رخ داد نامطلوب یا خطر برای گروه دوم مستقیماً موجودیت بانک را متزلزل و ملاً منافع گروه سوم یا سپرده‌گذار را با خطر مواجه می‌کند. زیرا، همانطوریکه ذکر شد، در این محیط دو گروه سپرده‌گذار به صورت کاملاً مستقل و انتزاعی در فکر منافع خود هستند و بانک به تنهایی یا در واقع صاحبان سرمایه بانک، باید تحمل کل ریسک حاصل از فعالیت‌های اقتصادی آن را بکنند. طبعاً در چنین محیطی نامطلوب‌ترین شکل بانکداری قابل تحقق است و اینگونه بانکها هر لحظه با ریسک توقف و با ورشکستگی به مفهوم آنچه در مورد هر فعالیت اقتصادی دیگر متداول است، روبرو خواهند شد. در حالیکه، در بانکداری اسلامی به دلیل پیش گفته، اتفاق چنین وضعیتی نزدیک به محال و شاید هم غیرممکن است.

بسمه تعالی

پیوست شماره (۱)

«ربا» چیست و چگونه می‌توان در عملیات بانکی از آن احتراز کرد؟
 بطور کلی تعریف ساده «ربا» عبارت است از:

«گرفتن مبلغ اضافه روی دین محقق مشروط بر این که از قبل شرط شده باشد»^۱

با استفاده از همین تعریف ساده، عملیات بانکداری اسلامی در ایران طوری پایه‌گذاری شده است که تحت چنین عنوانی هیچ نوع رقم اضافه‌ای از گیرنده تسهیلات اعتباری اخذ نگردد. برای بررسی بیشتر باید شرایط حاصل از این تعریف تشریح گردد. شرایط زیر از تعریف مذکور قابل استخراج است:

الف - وجود دین محقق

ب - وجود دائن و مدیون مستقل و جدا از یکدیگر

ج - شرط قبلی برای دریافت مبلغ اضافه نسبت به قرض

هرگونه دین که از اجتماع شرایط مذکور به وجود آید، از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران شرایط لازم و کافی برای تحقق «ربای پولی» را دارد، لکن، در صورتی که یکی از شرایط مزبور در عمل استقراض وجود نداشته باشد «بظاهر» ممکن است عمل استقراض شکل ربوی داشته باشد، لکن عملاً «ربا» تحقق نمی‌یابد. به عبارت دیگر، از دیدگاه ضوابط و مقررات بانکداری اسلامی «ربا» تحقق پیدا نمی‌کند مگر با اجتماع سه شرط فوق در امر استقراض.

موضوع فوق، مخصوصاً در این‌مبحث مطرح گردید تا از دیدگاه مشابهت آن با استقراض در بانکداری سنتی دیده شود. در واقع شرایط مذکور، عناصر عمده استقراض در شیوه بانکداری سنتی را تشکیل می‌دهد.^۲

بدین ترتیب، آنچه که در بانکداری سنتی روی استقراض یا وام دریافت می‌شود و یا روی سپرده‌ها که در واقع استقراض بانک از اشخاص است، پرداخت می‌شود از دیدگاه بانکداری اسلامی «ربا» محسوب شده و دریافت یا پرداخت آن مجاز نمی‌باشد. زیرا، در بسیاری از موارد تمام شرایط مذکور در امر استقراض و یا سپرده‌گیری جمع است.

در عین حال، نبود یکی از شرایط فوق، موضوع را از شکل ربوی آن خارج می‌کند و در نتیجه

۱- نظراتی که در این نوشته ارائه شده است، نتیجه تحقیقات و نظرات شخص نویسنده بوده و نظرات رسمی یا فقهی شخص خاصی را منعکس نمی‌کند.

۲- البته وثیقه، مدت، تعداد اقساط و سایر شرایط نیز در استقراض وجود دارد که در هر دو روش مشترک بوده و تاثیری در ماهیت استقراض ندارند.

پرداخت مبلغ اضافه توسط گیرنده منابع به تامین‌کننده آن در بعضی از اشکال خاص و معمول در بانکداری سنتی ممکن است در بانکداری اسلامی کاربرد داشته باشد بدون آن که مشمول تعریف «ربا» و ممنوعیت پرداخت و یا دریافت آن گردد. به همین جهت، برای شناخت بانکداری اسلامی در ایران تحلیل عناصر مزبور و نتیجه‌گیری از این مبحث از اهمیت خاص برخوردار است.

الف - وجود دین محقق

دین محقق در اثر استقراض یا انتقال مالکیت پول^۱ از دائن به مدیون یا طرق دیگری که مدیون در مقابل دائن بدهکار می‌شود تحقق می‌یابد. در اینصورت، هم مدیون و هم دائن شرعاً مجاز به دریافت و پرداخت رقم اضافه و از پیش تعیین شده‌ای روی دین نیستند. لکن، چنانچه به دلایل مختلف منجمله دلایل مذکور در بند (۲) دین واقعی تحقق نیابد، در اینصورت پرداخت رقم اضافه از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران مشمول تعریف «ربا» نمی‌شود.

ب - وجود دائن و مدیون مستقل و جدا از یکدیگر

مستقل و جدا بودن دائن و مدیون از یکدیگر از جمله شرایط بسیار اساسی در استقراض است که فقدان آن موجب از بین رفتن ماهیت استقراض و در نتیجه عدم تحقق «ربا» می‌گردد.^۲ بعنوان مثال، اعطای وام توسط یک شعبه مؤسسه بازرگانی متعلق به یک شخص، به شعبه دیگر آن، ظاهراً موجب قرارداد وام بین دو شعبه مزبور است، ولی ذاتاً چنین قراردادی از دیدگاه شرعی قرارداد تلقی نگردیده و ربوی محسوب نمی‌شود. زیرا، عناصر دائن و مدیون، در حقیقت در یک شخص جمع می‌شود. در نتیجه، شخص نمی‌تواند از خود طلبکار یا به خود بدهکار شود. به همین ترتیب اعطای تسهیلات اعتباری بین دو شرکت متعلق به یک گروه مشخص از سهامدارانی که سهام هر یک از آنها در دو شرکت مساوی باشد، هرچند از دیدگاه اداری به ظاهر موجب قرارداد استقراض است، لکن، از دیدگاه شرعی دائن و مدیون جدا از یکدیگر نیستند. مثال بارز آن استقراض یک شعبه یک بانک یا یک شرکت از شعبه دیگر آن است که فقط از لحاظ اداری صورت استقراض به خود می‌گیرد، ولی از دیدگاه حقوقی رابطه تعهد و طلب ایجاد نمی‌کند. در تمام این موارد فقط نقل و انتقال وجوه در درون دو مؤسسه متعلق به یک شخصیت صورت می‌گیرد و اقدام دیگری انجام نمی‌شود. ویژگی فوق، در بانکداری اسلامی در ایران کاربرد زیاد دارد.

۱- ممکن است دین به صورت مال یا جنس باشد. بحث درباره این شکل از دین خارج از چارچوب این مقاله است.

۲- از دیدگاه اسلامی پرداخت رقم اضافه روی دین ایجاد شده بین پسر و پدر شاید به دلیل وابستگی کامل پسر به پدر، «ربا» محسوب نمی‌گردد، حتی اگر قبلاً نیز شرط شده باشد.

ج - شرط قبلی برای دریافت مبلغ اضافه نسبت به قرض

شرط کردن در قرض برای دریافت بهره با رقم اضافه نسبت به قرض نیز به نوبه خود از شرایط اصلی تشکیل دهنده «ربا» است.^۱ بنابراین، چنانچه شرطی برای دریافت رقم اضافه در قرض نشده باشد، پرداختی نیز قاعدتاً صورت نخواهد گرفت و عمل نیز، طبعاً ربوی نخواهد بود. مع الوصف، چنانچه مدیون شخصاً و با رضایت خود و خارج از عقد قرض رقمی را به صورت اضافه بر مبلغ اصل وام به دائن بپردازد، ضمن این که این پرداخت از دیدگاه شرعی نیز تشویق شده است، مبلغ اضافه نیز «ربا» تلقی نمی‌گردد.

این موضوع هرچند به جای خود صحیح است ولی کاربرد آن بسیار مشکل بوده و در سیستم بانکداری اسلامی در ایران از این روش استفاده نمی‌شود.

در مورد شرط فوق لازم به ذکر است که اگر هنگام عقد قرض دریافت مبلغ اضافی شرط شده باشد ولی عملاً این مبلغ دریافت نگردد، عمل ربا تحقق نمی‌یابد. این حالت مانند آن است که عملاً شرطی نشده و دریافتی نیز صورت نگیرد. هرچند نحوه عمل بدین ترتیب صحیح است، لکن، این روش عمل، اصولاً کاربردی در سیستم بانکداری اسلامی در ایران ندارد.

نتایج منطقی حاصل از بحث فوق:

الف - «ربا» به نحوی که تشریح و تحلیل گردیده، از کلیه عملیات بانکی در سیستم بانکداری اسلامی در ایران، حذف شده است.

ب - وابستگی کامل دائن و مدیون در بانکداری اسلامی در ایران، برای دولت و دستگاههای صدورصد دولتی کاربرد مطلوب داشته است، زیرا، از دیدگاه شرعی، دولت در کل کشور «شخصیت واحد» تلقی می‌گردد، لذا، دستگاههایی دولتی و شرکتهای صد درصد دولتی تماماً جزء این شخصیت واحد محسوب شده و هرگونه قرارداد استقراض بین این دستگاهها فقط از لحاظ اداری مناط اعتبار است و موجد استقراض واقعی نیست. بعلاوه، چون، از لحاظ شرعی، هم دائن و هم مدیون قرارداد دولت بوده و در نتیجه دریافت یا پرداخت مبلغ اضافه در این شکل از قرارداد، به صورت نقل و انتقال وجوه که در دو دستگاه به حساب آن شخصیت واحد صورت می‌گیرد «ربا» تلقی نمی‌گردد.

۱ - اخیراً بحثهای مفصلی در محافل علمی و فقهی در زمینه تورم صورت گرفته و چنین نتیجه‌گیری شده است که ممکن است مبلغ اضافه روی دین تا «حد نرخ تورم» «ربا» تلقی نگردد، این نظریه در حد بسیار محدود پذیرفته شده، لکن، در کلیات موضوع مورد پذیرش بسیاری از محافل اسلامی قرار نگرفته و برای بسیاری دیگر نیز هنوز در مرحله بررسی باقی مانده است. در هر حال، بعید نیست در صورت پذیرش کلی موضوع، تحول بزرگ دیگری در بانکداری اسلامی در ایران رخ دهد.

بعبارت دیگر، چون تمام بانکها و بخصوص بانک مرکزی دولتی هستند، لذا، چنانچه از محل منابع بانک نظیر سرمایه و یا از محل منابع قرض الحسنه جاری و پس انداز^۱ که مالکیت آن متعلق به خود بانک است، نیازهای اعتباری دولت و دستگاههای دولتی تامین گردد، عمل ربوی تلقی نشده و پرداخت یا دریافت رقم اضافه روی مبلغ «بظاهر» استقراض، فقط موجب ارتباط اداری و نقل و انتقال وجوه بین بانکها و دولت شده و از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران مجاز خواهد بود.

این ویژگی موجب شده است قسمت عمده‌ای از مشکلات اعتباری بخش دولتی، به سهولت با روش معمول اعتباری در بانکداری سنتی در این کشور حل شود.^۲

ج - حذف شرط (۳) فوق از استقراض متداول در بانکداری سنتی، استقراض را بدون این که در ماهیت واقعی بودن دین ناشی از آن (که رابطه صحیح دائن و مدیون مستقل از یکدیگر است) خللی وارد آورد، آنرا به صورت «قرض الحسنه» درمی آورد. قرض الحسنه به صورت یکی از انواع تسهیلات اعتباری در بانکداری اسلامی به همین دلیل اصلی پذیرفته شده و از آن برای مصارف معین که سایر انواع تسهیلات اعتباری متداول در بانکداری اسلامی کاربرد ندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

د - چون استقراض در شکل تعریف شده و بطریق معمول در بانکداری سنتی ربوی است و مبلغ اضافه روی آن «ربا» تلقی می‌گردد، لذا، تسهیلات اعتباری بانکی در ایران (باستثنای قرض الحسنه) در شکل دیگری مطرح شده است تا عملیات مزبور از شکل ربوی خارج گردیده و بانک بتواند از عملیات خود سود تحصیل نماید.

۱- تامین منابع اعتباری دستگاههای دولتی از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری که متعلق به سرمایه‌گذاران بوده و بانک وکیل در مصرف این قبیل منابع است، به صورتی که فوقاً مورد تحلیل قرار گرفته مجاز نمی‌باشد. مگر این که این قبیل سپرده مالی نیز از محل منابع دستگاههای دولتی تشکیل شده باشد. زیرا، در این صورت، شخصیت دائن مستقل از شخصیت مدیون بوده و رقم اضافه «ربا» خواهد بود.

۲- استفاده از این روش علاوه بر روش بانکداری اسلامی است، زیرا، اصولاً دولت و دستگاههای دولتی می‌توانند، مانند سایر مشتریان بانکها، در چارچوب ضوابط سیستم بانکداری اسلامی نیز از تسهیلات اعتباری این سیستم استفاده نمایند.